



Book and revolution: Forbidden books role in France, Russia and Iran revolutions

Kamran Arvan*¹ | Mohsen Beheshti Seresht²

1. Lecturer of Islamic Azad University, Fereshtegan International Branch, Tehran, Iran.

2. Associate Professore, Department of History, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran.

Abstract

Book is a form of effective media and cultural product that has considerably evolved and spread in the modern age. Furthermore, books have played a notable role in the contemporary revolutions. Over France and Russia's revolutions, theoretician and ideologues have informed and provoked the regime fighters by writing books categorized as the forbidden books. Iran's Islamic revolution has also witnessed many forbidden books that had been studied, printed and distributed through an underground system by the revolutionaries. There were these books, which changed and shaped the political view and fighting methods of their readers. Through a cultural and comparative investigation, this paper is set to define the role and position of books in France, Iran and Russia's revolutions based on the existing documents and evidence. Furthermore, this paper tries to disclose how the revolutionaries used books in favor of the revolution and how governments prevented printing, distribution and studying of these books to make barriers on the course of the revolution success, a process continued to the revolution's emanation. Clearly, by the revolution's success millions of issues of these books were published.

Article Info

Article type: Research

Received: June 27, 2025

Received in revised from:
August 21, 2025

Accepted: August 28, 2025

Published online: June 20, 2026

Keywords:

Forbidden books, White cover books.
Iran's Islamic revolution. France
revolution, Russia's revolution,
Pahlavi, History of book.

*Corresponding author:

kamranarevan@gmail.com



کتاب و انقلاب؛ کارکرد کتاب‌های ممنوعه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران

کامران عاروان^۱ | محسن بهشتی سرشت^۲

۱. مربی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، واحد بین‌المللی فرشتگان، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰

صفحات: ۲۸۳-۳۰۷

کلیدواژه‌ها:

کتاب‌های ممنوعه، کتاب‌های جلد سفید، انقلاب اسلامی ایران، انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، پهلوی، تاریخ کتاب.

* نویسنده مسئول:

kamranarevan@gmail.com



کتاب رسانه و کالای فرهنگی تأثیرگذاری است که پیشرفت و گستردگی زیادی در عصر جدید یافت و در انقلاب‌های معاصر نیز کارکرد مهمی داشت. کتاب‌های موسوم به «کتاب‌های ممنوعه» به قلم نظریه‌پردازان و ایدئولوگ‌های انقلابی در انقلاب‌های فرانسه و روسیه منجر به آگاهی بخشی و تحریک مبارزان علیه رژیم وقت شد. انقلاب اسلامی ایران نیز شاهد تعداد زیادی کتاب ممنوعه بود که انقلابیون به مطالعه، چاپ و توزیع آن به‌طور زیرزمینی مبادرت ورزیدند و همین آثار، اندیشه سیاسی و شیوه‌های مبارزاتی مخاطبان را تغییر داد. این مقاله بر پایه مطالعه‌ای فرهنگی و تطبیقی بر آن است تا با توجه به مستندات و مدارک موجود به تعیین نقش و جایگاه کتاب در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران بپردازد و مشخص نماید انقلابیون چگونه از ابزار کتاب در مسیر انقلاب بهره جستند و چگونه حکومت برای سد کردن راه انقلاب از چاپ، توزیع و خوانش این کتاب‌ها ممانعت به عمل آورد. این فرایند تا ظهور انقلاب تداوم داشت و پیروزی انقلاب موجب انتشار میلیونی این کتاب‌های نهفته شد.

استناد: عاروان، کامران و بهشتی سرشت، محسن (۱۴۰۵). کتاب و انقلاب؛ کارکرد کتاب‌های ممنوعه در انقلاب‌های فرانسه،

روسیه و ایران. دوفصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، ۸ (۱)، ۲۸۳-۳۰۷. <https://doi.org/10.22034/te.2024.206505>

مقدمه

کتاب، رسانه، کالا و ابزار فرهنگی مهمی است که در رشد و توسعه فرهنگ و تمدن بشری نقشی اساسی ایفا کرده و همواره جایگاه مهمی در نگاه مورخان و پژوهشگران حوزه فرهنگ و تمدن داشته است. پیشرفت صنعت چاپ در دوران جدید، فضای بیشتری برای منتقدان و مخالفان حکومت‌ها فراهم آورد. چاپخانه‌داران و ناشران در اروپای معاصر جایگاهی بااهمیت یافتند و در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع نقشی چشمگیر ایفا کردند. گسترش سوادآموزی و رشد فرهنگ نوشتاری در این جوامع نیز بستر مناسبی برای شکل‌گیری و گسترش اندیشه‌های انقلابی فراهم ساخت. در بیشتر انقلاب‌های تاریخی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های جایگزین حکومت‌ها در چنین شرایطی و با بهره‌گیری از این ابزار نوین رشد و بالندگی یافتند و مبارزان درصدد انتشار آن‌ها در جامعه برآمدند. مناسب‌ترین قالب برای این منظور، آثار مکتوبی بود که در شکل کتاب، جزوه، اعلامیه و دیگر نشریات انتشار می‌یافت. این روند، خود فرایندی چندمرحله‌ای را پدید آورد: مرحله نگارش به دست ایدئولوگ‌ها و روشنفکران مخالف حکومت، مرحله چاپ در چاپخانه‌ها و مرحله توزیع گسترده آن از سوی هواداران انقلاب. این فرایند منجر به تکثیر و گسترش اندیشه‌های انقلابی و پیشروی آن‌ها در جامعه شد.

در مقابل، حکومت‌های وقت نیز برای متوقف ساختن این روند، اقدامات مختلفی انجام دادند که مهم‌ترین آن‌ها سانسور، ممنوع کردن انتشار این آثار، محدود کردن فعالیت نویسندگان، تعطیلی چاپخانه‌ها و دستگیری و زندانی کردن افراد مرتبط با این فعالیت‌ها بود. در هر سه انقلاب، مسئله کتاب‌های ممنوعه اهمیتی ویژه یافت و نقشی فراتر از سانسور ایفا کرد. ممنوعه کردن کتاب‌ها و جزوات مقابله با اندیشه‌ها و هر گونه ایدئولوژی مخالف بود. باوجود همه این محدودیت‌ها، انقلابیون همچنان به چاپ و توزیع و خوانش این کتاب‌ها، جزوها و اعلامیه‌ها به طرق مخفیانه و زیرزمینی پرداختند و اهداف انقلابی خود را تداوم بخشیدند. در واقع، کتاب‌های ممنوعه کتاب‌هایی بودند که حکومت و سازمان‌های امنیتی و مرتبط با این حوزه با هدف مواجهه با نشر کتاب‌های مخالف با حاکمیت وقت از نشر آن همان اول کار خودداری کردند یا پس از چاپ گردآوری کردند و چاپ‌های بعدی آن ممنوع شد. حتی خوانش این کتاب‌ها نیز شامل ممنوعیت و اعمال مجازات سنگینی شد.

انقلاب‌های فرانسه و روسیه به سبب تأثیرات گسترده‌ای که داشتند انقلاب‌های عظیمی بودند و دگرگونی‌های اساسی را موجب شدند. کتاب‌ها در این دو انقلاب موجب رشد، توسعه فرهنگ و ایدئولوژی انقلابی گری شد و پیروان انقلاب به اشکال مختلف و بیشتر به صورت زیرزمینی به مطالعه، چاپ و توزیع آن، همراه با سیاست‌های سخت‌گیرانه حکومتی در ممانعت از این فرایند، پرداختند. کتاب‌های ممنوعه و حرکات‌های زیرزمینی در این خصوص، کارکرد و اثرگذاری مؤثری در روند وقوع انقلاب در این کشورها داشته است. این مقاله تلاش دارد تا بررسی تطبیقی از کارکرد و اثرگذاری کتاب‌های ممنوعه به عنوان کالا و ابزار فرهنگی و مخاطب شناسی در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران داشته باشد و از این طریق تأثیر و جایگاه آن در وقوع این انقلاب‌ها تعیین گردد و مشترکات و شیوه‌های این روند در هر انقلاب نشان داده شود. این موضوع می‌تواند توجه بیشتری به زمینه‌های فکری و فرهنگی پیدایش و فرایند انقلاب‌ها و نیز نظری جدی‌تر به حوزه‌های جدید تاریخ همانند تاریخ کتاب و تاریخ خواندن، معطوف کند که باب‌های مطالعاتی جدیدی را فراروی پژوهشگران تاریخ می‌گشاید تا انقلاب‌ها صرفاً از منظر تاریخ سیاسی، اقتصادی و روابط بین‌الملل نگریسته نشوند و زوایای دیگر این وقایع نیز مدنظر قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات و مطالعات فرهنگی، می‌توان منابعی مرتبط با این موضوع یافت؛ با این حال، اغلب این آثار به صورت تخصصی و مستقل به مقوله کتاب‌های ممنوعه و کارکرد آن‌ها در برهه‌های انقلابی مورد بحث پرداخته‌اند. در این پژوهش تلاش شده است با کاوش در منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و روایت‌های شفاهی مرتبط با انقلاب‌های مورد بررسی، نقش کتاب به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های مورد استفاده انقلابیون تبیین شود. به دلیل ماهیت مخفیانه و زیرزمینی این فعالیت‌ها، بخش قابل توجهی از اطلاعات مربوط به آن‌ها ثبت نشده یا از میان رفته است. از همین رو، برخی پژوهشگران از این آثار با عنوان «ادبیات فراموش شده»^۱ یاد کرده‌اند و آمار و اطلاعات دقیقی درباره

1. Forgotten literature

آن‌ها در دسترس نیست. همچنین تعداد اندکی از کتاب‌های پژوهشی و تحلیلی به‌طور مستقل به مسائل فرهنگی و نقش کتاب‌های ممنوعه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران پرداخته‌اند و نظریه‌پردازی در این زمینه نیز محدود بوده است. بیشتر آثار موجود ذیل موضوعاتی همچون سانسور و ممیزی کتاب و مطبوعات، آزادی قلم و بیان و تاریخ نشر و کتاب منتشر شده‌اند.

از جمله منابع مهم در این زمینه می‌توان به کتاب نگاهی تاریخی به سانسور نوشته روبر تتس اشاره کرد که با تأکید بر تاریخ فرانسه، به‌ویژه انقلاب فرانسه، مطالب ارزشمندی ارائه می‌دهد. همچنین کتاب انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن اثر الکسی دو توکویل و کتاب تاریخ روسیه شوروی؛ انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۳ نوشته ادوارد هالت کار، اطلاعات مهمی درباره انقلاب‌های فرانسه و روسیه و نقش کتاب در این تحولات در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. افزون بر این، سایر منابع مرتبط با انقلاب‌های روسیه و فرانسه نیز تا حد امکان و در حدود دسترسی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حوزه تاریخ نشر و کتاب در ایران، آثاری چون تاریخ شفاهی نشر ایران اثر عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی، کتابفروشی نوشته ایرج افشار و تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب تألیف فرید مرادی، حاوی مطالب ارزشمندی درباره نشر و توزیع کتاب در دوران معاصر ایران هستند و در بخش‌هایی به کتاب‌های ممنوعه نیز پرداخته‌اند. همچنین کتاب‌های قتل عام قلم و اندیشه و درد اهل قلم نوشته باقر مؤمنی، اطلاعاتی درباره ممنوع‌سازی و سانسور کتاب و اندیشه در دوره محمدرضا شاه ارائه کرده‌اند.

در کنار این آثار، باید به تحقیقات، مطالعات و اسناد تاریخی - فرهنگی نیز توجه داشت که به موضوع کتاب‌های ممنوعه و کارکرد آن‌ها در تحولات انقلابی پرداخته‌اند. از جمله این منابع می‌توان به اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی دوم صورت جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز» اشاره کرد که حاوی اسناد دولتی مهمی در این زمینه است. همچنین مقاله «پرونده کتب مضرة مذهبی» نوشته کمری و نیز «فهرست اسامی کتب مضرة» منتشرشده در نشریه فردای ایران، اطلاعات ارزشمندی درباره کتاب‌های ممنوعه و سیاست‌های نظارتی آن دوره ارائه می‌کنند.

۲. کتاب و انقلاب فرانسه

کتاب‌ها در پیشبرد رخدادها و انقلاب‌های عصر جدید نقش شتاب‌دهنده و تسهیل‌گری داشت. جیمز اول اعلامیه‌های زیادی علیه کتاب‌های گمراه‌کننده صادر کرد، اما رونق این نوشتارهای چاپی بیشتر شد (برنتون، ۱۳۶۲، ص. ۴۷). کتاب‌های جان لاک و عقل سلیم تامس پین از مروجان فلسفه‌های انقلابی، در برانگیختن مهاجران آمریکا در دستیابی به استقلال از انگلستان تأثیر مهمی داشت (لوکاس، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۲۵۱). فرانسه حین انقلاب می‌تواند تجربه جدیدی از کتاب‌های ممنوعه به دست دهد و جایگاه مهمی برای کتاب در تعیین سرنوشت انسان‌ها تحصیل کرد. دفتر امور کتاب در فرانسه برای چاپ و توزیع کتاب‌های مخالفان محدودیت‌های زیادی ایجاد کرد و تشکیل پلیس کتاب^۱ موجب سختگیری بیشتری شد و در ۱۷۵۷ برای ناشران، نویسندگان، فروشندگان و دست‌فروشان که به دین و پادشاه حمله کنند، مجازات اعدام تعیین شد (تس، ۱۳۷۷، صص. ۷۸، ۷۵). کتاب روح القوانين منتسکیو که خوانندگان بسیاری داشت در عرض ۱۸ ماه ۲۲ بار چاپ شد. البته این کتاب ممنوعه نبود. ولتر در عرضه کتاب‌های ممنوعه بیشتر موفق بود. کتاب مجموعه نامه‌های فلسفی (رسائل مربوطه به انگلیس‌ها) در ۱۷۳۴ منتشر شد و به سبب انتقاد به روحانیون و شاه، کتاب زیان‌بار و گمراه‌کننده معرفی شد و مجلس دستور داد آن را آتش بزنند (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴، ص. ۳۰۲). توقیف و مصادره این کتاب‌های ممنوعه بارها رخ داد، اما مجدد منتشر و پخش شد (تس، ۱۳۷۷، ص. ۷۸). تعداد کتاب‌های ممنوعه از اواسط قرن هجدهم رو به تزاید نهاد و تاریخ فلسفی رنال چهل و پنج مرتبه ضبط و مصادره شد و از پرفروش‌ترین کتاب‌های پایان قرن هجدهم بود (تس، ۱۳۷۷، ص. ۸۰). کتاب ممنوعه قرارداد اجتماعی روسو از مهم‌ترین تألیفات این دوره و با شمارگان بالا و پرفروش‌ترین آن‌ها بود و نظریات سیاسی این کتاب در این دوره اهمیت زیادی یافت (Darnton, 1991, p 21; Grint, 2006, p 38).

انتشار کتاب‌ها و رساله‌های اصحاب دایرةالمعارف نیز متوقف شد. هر قدر مجلس فشار بیشتری وارد می‌کرد مردم و محافل ادبی و علمی توجه بیشتری به این نوشتارها

می‌کردند (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴، ص. ۳۰۹) و دایرة المعارف دو بار به جرم واداشتن مردم به عصیانگری علیه پروردگار و نافرمانی از پادشاه توقیف شد (ماله و ایزاک، ۱۳۶۴، ص. ۳۱۱). انتشار کتاب‌های ممنوعه موجب گرفتاری زیادی برای عاملان آن شد. بیشتر این‌ها در چاپخانه‌های کشورهای همسایه همچون سوئیس، بلژیک و آلمان و شهرهای آن ژنو، لوزان، نوشاتل، بروکسل، لیژ و نویوید چاپ شد و از طریق شبکه‌ها و ارتباط‌های زمینی و دریایی به‌طور جاساز و مخفی شده به داخل فرانسه فرستادند و در سراسر کشور پخش کردند. کسانی که این کارها را پیش بردند؛ دوره گردان فروشنده، دکه‌دارها و کتاب‌فروش‌های عمده بودند که تاوان بسیاری برای این جریان پنهان کارانه دادند و مجازات سختی در انتظارشان بود؛ اما به گردش این نوشتارهای خطرآفرین فرهنگی ادامه دادند (تس، ۱۳۷۷، صص. ۸۹-۸۱؛ Darnton, 1991, pp. 4, 7). روبر دارنتون می‌گوید تجارت کتاب‌های ممنوعه از ابتدا در میان ماجراجویان، کتاب‌فروشان کم‌برخوردار، افرادی که ضرورتی یا جاه‌طلبی نیرومندی آنان را پیش می‌راند نفرات خود را پیدا می‌کرد (تس، ۱۳۷۷، ص. ۸۷). دیدرو می‌گفت بحثی ندارم که این کتاب‌ها خطرناک هستند؛ اما ممنوعیت هر چه شدیدتر شود بهای کتاب را افزایش می‌دهد و کنجکاوی برای خواندن آن را بیشتر می‌کند، بیشتر خریده و بیشتر هم خوانده می‌شود. معنی این آشکار است. کتاب ممنوعه خواهان بیشتری دارد (تس، ۱۳۷۷، ص. ۹۲).

آرتور یانگ مسافر مشهور انگلیسی پس از فتح زندان باستیل از فضای متفاوت بیرون پاریس می‌گوید که در یک هفته چاپخانه‌های انقلابی، حدود ۹۲ جزوه سیاسی چاپ کردند (دوتوکویل، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۲). رمون برن نیز از توزیع ۴ میلیونی نسخه‌های متن‌های سیاسی سانسور نشده در یک سال قبل از انقلاب می‌گوید (تس، ۱۳۷۷، ص. ۹۸). دوتوکویل نیز در بررسی انقلاب فرانسه، نقش خواندن آثار نویسندگان در دگرگون‌سازی اندیشه‌های مردم در همسویی با انقلاب را بیان می‌کند که در میدان عمل یاری زیادی به آن‌ها رساند و چیزهای که همیشه موجب نوشتن کتاب‌های خوب شده است ممکن است سبب انقلاب‌هایی بزرگی گردد (آرون، ۱۳۷۷، صص. ۲۷۷-۲۷۶). دوتوکویل معتقد است که این مفاهیم محدود به کتاب‌ها نبودند، بلکه در ذهن‌های مردم ریشه کرده و در روش‌های زندگی آن‌ها جا گرفته بودند و این اندیشه‌ها در ساختار زندگی روزانه همه

فرانسه وارد شده بودند (دوتوکویل، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۳) او در صفحاتی اهمیت و اثرگذاری کتاب‌ها و ادبیات را در انقلاب فرانسه، ذکر می‌کند که مردم با این کتاب‌ها از جهان واقعی اطرافشان رویگردان شدند و خویش را به رؤیاهای جهان بهتری سپردند و از جهات روحی، در جهان آرمانی ساخته و پرداخته نویسندگان زمان خود زندگی کردند (دوتوکویل، ۱۳۹۱، صص. ۲۳۸-۲۳۵).

مضمون‌ها و مفهوم‌های نفرت از استبداد، ستیز با کلیسا و هواداری از اداره آن از طرف دولتی غیرروحانی و ستایش آزادمنشی حوزه‌های اقتصاد و سیاست از طریق کتاب‌ها و جزوه‌ها در تمام گروه‌های اجتماعی نفوذ پیدا کرد و اثر گذاشت. تأثیر سخنان نوشتاری را سخنان شفاهی پشتیبانی کرد و انجمن‌های مطالعاتی توسعه پیدا کرد (سوبول، ۱۳۵۹، صص. ۱۰۶-۱۰۷). انجمن‌های ولایات و نخستین اتاق‌های مطالعه در طول ۱۷۷۰-۱۷۵۰ رفته‌رفته برقرار شدند در انتشار و خوانش انقلابی و ایدئولوژی محور کتاب‌های ممنوعه نقش مهمی ایفا کردند (تس، ۱۳۷۷، ص. ۹۰). در این دوره خریداری کتاب ممنوعه کنشی «سیاسی» هم محسوب شد که موجب پیدایش مقاومت یا مخالفت با نظام فکری غالب حاکمیت گردید (تس، ۱۳۷۷، صص. ۹۲-۹۱). این کتاب‌ها در گروه‌های گوناگون جامعه و نیز در طبقات اشراف، کلیسا، پارلمان، بورژواها، صاحب‌منصبان عالی و روشنفکران خوانندگان پرشوری پیدا کرد (تس، ۱۳۷۷، ص. ۹۳).

پارلمان پاریس که مسئولیت ممنوع سازی کتاب‌ها را بر عهده داشت، در ۱۷۷۵ تا ۱۷۸۹، ۶۵ کتاب و جزوه را مشمول ممنوعیت ساخت (سوبول، ۱۳۵۹، ج ۱، ص. ۱۰۷). دفتر امور کتاب در فرانسه برای چاپ و توزیع کتاب‌های مخالفان محدودیت‌های زیادی ایجاد کرد (تس، ۱۳۷۷، ص. ۷۵). تأسیس پلیس کتاب از سال ۱۷۰۰ بر سخت‌گیری حکومت افزود. پلیس مرتب کتاب‌فروشان و چاپخانه‌داران را تحت نظر داشت و توقیف، تعطیلی، بازداشت و جریمه در انتظار فعالان حوزه کتاب و نشر بود (تس، ۱۳۷۷، صص. ۷۸-۷۹؛ دوتوکویل، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۱؛ Green, & Kar - Darnton, 1991, p.10). ۱۸۱-180 (olides, 2005, pp.180-181) مراسم سوزاندن کتاب‌های گردآوری شده نیز با همکاری اسقف‌ها به طور منظم برگزار می‌شد (Darnton, 1991, p.3). در سال ۱۷۵۷، [شاه لوئی پانزدهم] فرمان داد هر کس کتاب یا مقاله‌ای «ضد مذهبی» بنویسد، به مجازات مرگ

محکوم شود و این سرنوشت در انتظار ناشران، کتاب‌فروشان و فروشندگان دوره گرد نیز بود. باوجوداین، آثار ولتر در سراسر فرانسه رواج یافت و اقبال عمومی به نوشته‌های او افزایش پیدا کرد (دوتوکویل، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۱). نظارت و آزار و فشارهای حکومت، بر نویسندگان بسیار زیاد شد. ولی باوجود سیاست محدودیت انتشار این کتاب‌ها، اعتبار و تأثیر آن‌ها را صد برابر کرد (دوتوکویل، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۴). نوشته‌های رابله، دکارت، بالزاک، پاسکال، جان لاک، دانیل دیگوس و روسو نیز ممنوعه اعلام شدند (استیچویچ، ۱۳۷۳، ص. ۵۰۹). مهم‌ترین و بخش عمده کتاب‌های ممنوعه این دوره کتاب‌های سیاسی بوده است و تقریباً همه کتاب‌های غیرقانونی بی‌نام و نشان منتشر می‌شده‌اند و آمارهای موجود نشان از افزایش این گونه کتاب‌ها هم در چاپ، هم در عنوان و هم در فروش، پیش از انقلاب فرانسه دارد (Darnton, 1991, pp. 6-20).

مردم کتاب‌خوان در این دوره نیز افزایش یافت و در اواخر دهه ۱۶۸۰ تا ۱۷۸۰ میزان باسوادی از ۲۹ به ۴۷ درصد میان مردان و از ۱۴ به ۲۷ درصد میان زنان افزایش یافت. خواندن کتاب‌های داستانی و سیاسی برتری بیشتری داشت. کتاب‌های تندروی منتشر شده در بیرون فرانسه به افزایش موج سرکشی یاری زیادی داد (فوران، ۱۳۸۸، صص. ۲۷۵-۲۷۴). این روند با توسعه آرمان‌ها و رفتارهای انقلابی رابطه‌ای مستقیم داشت. خوانندگان این کتاب‌ها از همه گروه‌ها و طبقات بودند از ثروتمندان و اشراف تا کارگران و خدمتکاران فرودست (تس، ۱۳۷۷، ص. ۹۳) و کتاب‌های فلسفی به‌خصوص ریشه‌های تاج‌وتخت و کلیسای فرانسه را بیش از پیش سست کرد (Darnton, 1991, p. 32).

۳. کتاب و انقلاب روسیه

روسیه تزاری نیز در مسیر انقلاب خود از کتاب و کارکردهای آن بی‌نصیب نماند و انقلابیون از این امکان رسانه‌ای بهره زیادی در پیشبرد اهداف انقلابی خود بردند. رمان چه باید کرد؟ نوشته چرنیشفسکی در سال ۱۸۶۳ به ترویج ایده سوسیالیسم پرداخت و از سرمایه‌داری دور شد و بیش از نوشته‌های مارکس و انگلس مردم را به ایده‌های انقلابی گری سوق داد. انتشار این کتاب‌ها بزرگ‌ترین اشتباه بخش نظارتی تزار بود. تک‌جف نظریه پرداز انقلاب، به آن لقب «انجیل جنبش» اعطا کرد (چرنیشفسکی، ۱۴۰۲؛

هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص. ۱۹۵-۱۹۴). در روسیه پیش از انقلاب، کتاب‌های ممنوعه‌ای همچون سرمایه مارکس، اخلاق اسپینوزا، لویاتان هابز، فلسفه تاریخ ولتر، تاریخ اخلاقیات اروپایی لکی و دیگر آثار چاپی، در میان خوانندگان موجب تحول و دگرگونی فکری و عملی انقلابی شدند (هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۲۰۸-۲۰۷). انتشار کتاب غیرعادی در باب مسئله تکوین دیدگاه یگانه انگارانه درباره تاریخ نوشته پلخائف با نام مستعار بلتوف در ۱۸۹۵، مردم را بسیار سریع مارکسیست کرد. این نوشته هم از نظر سخت گیرانه سانسورچیان تزار دور ماند (هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص. ۲۱۸؛ کار، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۲۲-۲۱). یکی از انقلابیون روسی می‌گوید در بیست و چهار ساعت به خواندن کتاب‌های انقلابی پلخائف، لنین، بیسارف، شچدرین، چرنیشفسکی، کلب اسپنسکی، نکراسوف، داستایوفسکی و بسیاری دیگر پرداخته است (بابروفسکایا، بی‌تا، صص. ۴، ۷). بسیاری از رهبران فکری و سیاسی انقلاب در خارج از روسیه به نگارش عقاید انقلابی خود از جمله چه باید کرد؟ لنین، پرداختند و بخشی هم در زندان یا تبعید نگاشته شد؛ اما برای انتشار کتاب‌هایشان در برابر سد سانسور سلطنت تزاری کار بسیار مشکلی داشتند (کار، ۱۳۷۱، ج ۱، صص. ۹۶، ۸۴، ۲۷-۲۱).

تروتسکی تأکید دارد در انقلاب روسیه جدای از کتاب‌های ممنوعه و مباحث مرتبط با آن، کارگران چاپخانه‌ها نیز اثرگذار بوده‌اند و از طریق اتحادیه‌شان به انقلاب کمک کردند (بریتون، ۱۳۶۲، صص ۱۵۷-۱۵۶). چاپخانه‌های زیرزمینی چاپ این کتاب‌ها در روسیه برای نوشته‌های انقلابی با همه دشواری‌ها و بیم‌ها، موجب توسعه ایدئولوژی مارکسیست‌های انقلابی شد (بابروفسکایا، بی‌تا، صص. ۱۲۹-۱۱۷). در کل بخشی از وظایف امپراتوران تزار نظارت حداکثری و سخت‌گیرانه بر نوشته‌های مخالفان سلطنت و کلیسای ارتدکس بود (Green & Karolides, 2005, pp. 481-485). از وظایف اصلی پلیس تزار تجسس در کتاب‌فروشی‌های توزیع‌کننده کتاب‌های ممنوعه بود (بابروفسکایا، بی‌تا، صص. ۱۲۸-۱۲۷).

نیکلای تزار روسیه برای سرکوب مخالفت‌های سیاسی، فرمان قانون جدید سانسوری را در ۱۸۲۶ (که در اروپای آن زمان نظیر نداشت) صادر کرد که هرگونه نوشته چاپی باید پیش از انتشار، مجوز میزی را دریافت کند (هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص. ۱۸۵). پس از وقوع انقلاب روسیه کتاب‌ها و جزواتی که پیش‌تر به صورت پنهانی چاپ، توزیع، مطالعه و تفسیر می‌شد، با شمارگان میلیونی منتشر شدند (هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص. ۵۲۱).

«دانشجو» و «انقلابی» در روسیه تقریباً معنی هم بودند. دانشجویان بیشتر زمانشان به اقدامات انقلابی سپری می‌شد، اما حین گرفتاری زندان مجال مساعدی برای خوانشی عمیق‌تر و گسترده‌تر کتاب‌های انقلابی می‌یافتند (هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص. ۲۵۰، ۲۴۷). مدیریت مدرسه شبانه‌روزی که استالین در آنجا درس می‌خواند قصد داشت که دانش‌آموزان مذهبی را از مکتب مارکسیسم که روزه‌روز طرفداران بیشتری در میان جوانان سراسر روسیه پیدا می‌کرد، دور نگه دارد. این امر سبب شد استالین مجذوب این مکتب شود. جوگاشویلی ۱۵ ساله جزوه‌ها و رساله‌های مارکسیستی را به‌طور کاملاً مخفیانه مطالعه کرد (کلوسمان، ۱۳۹۶/۸/۲۰). میزان باسوادی روسیه پیش از انقلاب رشد زیادی داشت و از ۲۱ درصد در ۱۸۹۷ به ۴۰ درصد پیش از آغاز جنگ جهانی اول افزایش یافت. ۹۰ درصد مشمولان ارتش امپراتوری از روستاهای دو ایالت پترزبورگ و مسکو در ۱۹۰۴ سواد داشتند. مدارس ابتدایی در ۱۸۷۸ تا ۱۹۱۱ از ۲۵ هزار به ۱۰۰ هزار مدرسه در حدود چهار برابر افزایش یافت. فعالان محلی انقلاب روسیه عمدتاً از میان این نسل باسوادشده برخاسته بودند (هایجس، ۱۳۸۷، ج ۱، صص. ۱۳۹-۱۳۸).

۴. کتاب و انقلاب اسلامی ایران

زمینه پیدایش کتاب‌های ممنوعه به زمان ناصرالدین‌شاه بازمی‌گردد. او در قانونی اعلام کرد هرکسی که کتابی بر ضد مذهب یا دولت و ملت انتشار دهد، از پنج ماه الی پنج سال زندانی خواهد شد (مرادی، الف، ۱۳۹۴، ج ۳، ص. ۲۴۷۱). نشر کتاب‌ها در زمان رضاشاه نیز با سختی‌های نظام یافته‌تری روبرو شد. همه صفحات این‌ها باید با مهر «روا» مورد تأیید قرار می‌گرفت. ورود کتاب‌ها و نشریه‌ها به ایران نیز ممنوع شد. اداره راهنمای نگارش به ریاست علی دشتی بر کنترل بیشتر نشر افزود. شخص شاه نسبت به کتاب‌ها حساس بود و پافشاری کرد تا از چاپ کتاب‌های با مضمون‌های سیاسی در مخالفت با خواسته‌هایش، خودداری شود (مرادی، الف، ۱۳۹۴، ج ۳، صص. ۲۴۸۴-۲۴۸۰). بعد از کودتای ۱۳۳۲ رژیم پهلوی در جلوگیری و جمع‌آوری کتب مضربه همت بیشتری به خرج داد (مرادی، الف، ۱۳۹۴، ج ۳، ۲۴۸۸-۲۴۸۷). کتب ممنوعه این زمان را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. کتاب‌های ممنوعه دینی و مذهبی که با اعتقادات اسلامی و نیز شیعه و اهل سنت در تضاد و مخالفت بود (کتب ضاله هم عنوان می‌شد).
 ۲. کتاب‌های ممنوعه قومی و قبیله‌ای که ویژه مسائل، ادبیات و پیشینه اقوام کرد، عرب، ترک و غیره بود که به‌طور جدی ممنوع شدند.
 ۳. کتاب‌های ممنوعه مربوط به مسائل جنسی و مسائل فساد و فحشا که از نشر و پخش این‌ها هم جلوگیری شد.
 ۴. در پایان و مهم‌تر از همه کتاب‌های ممنوعه حوزه سیاسی و انقلابی متأثر از انقلاب‌های معاصر و ایدئولوژی‌های فرامرزی بودند که با این‌ها مقابله جدی‌تری به عمل آمد.
- محتوا و موضوعات کتاب‌های ممنوعه شامل نقد و تحلیل، آرا و ایدئولوژی‌ها، دفاعیات و محاکمات، یادبود و زندگی‌نامه، تاریخ‌نگاری، داستان و نمایشنامه، شعر و قطعات ادبی و مجموعه‌ها و جُنگ‌ها و همه تألیفات و ترجمه‌های علمی گروه‌های انقلابی چپی، ملی، مذهبی، کمونیستی و غیره بود.
- اگر فردی با کتاب یا جزوه ممنوعه دستگیر می‌شد، با مشکلات و پیامدهای بسیاری مواجه می‌گردید. از این رو، پنهان کردن این آثار از جمله مهارت‌ها و تدابیر رایج انقلابیون به شمار می‌رفت. همچنین مبادله کتاب‌های ممنوعه میان مخالفان امری مرسوم بود، اما این کار به‌صورت مخفیانه و همراه با تدابیر ویژه انجام می‌شد تا ساواک و دیگر نهادهای اطلاعاتی حکومت نتوانند آنان را شناسایی کنند (امجدی، ۱۳۸۳، صص. ۲۷۷-۲۷۶، ۲۶۰-۲۵۹؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲، صص. ۵۲۰-۵۱۹، ۴۳۱-۴۳۰، ۴۲۹-۴۲۸، ۴۲۵؛ حاجی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۱۸۹). محمد کچویی که خود کارگر کارگاهی صحافی بود به جرم داشتن کتب ممنوعه به زندان محکوم شد (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۶، ص. ۹۱؛ پاورقی). شمس برادر جلال آل احمد به خاطر کتاب ممنوعه غریزدگی زندانی شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، صص. ۴۰۰-۳۹۸). در بازرسی حجره‌های طلبه‌های مدارس فیضیه و دارالشفاء مقادیر زیادی کتب مضرر به دست آمد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، صص. ۵۸۵-۵۸۴). در پرونده کتاب‌ها مضرر مذهبی نام حدود ۱۳۰ کتاب برده شده که مضرر و ممنوع تشخیص داده شد. در صورت انتشار این‌ها دستور این بود که جمع‌آوری شوند (کمری، ۱۳۸۳، صص. ۱۳۰-۱۲۰).

کتاب‌فروشان کوشش بسیاری داشتند تا با همه محدودیت‌های موجود به نشر و پخش این گونه کتاب‌ها بپردازند. در آغاز کتاب سیاسی به پیشنهاد آگاهان امر برگزیده و سپس به‌طور پنهانی در چاپخانه‌های شهر تهران و خارج آن به گونه افسست منتشر و از طریق کتاب‌فروش‌ها و توزیع‌کنندگان مورد اطمینان پخش می‌شد (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، صص. ۲۲۷-۲۲۱). کتاب‌فروشی‌های خیابان شمس‌آبادی (شهناز سابق) در اصفهان پاتوق همه مبارزان بود (ساسان پور، ۱۳۸۶، ص. ۳۲). مدرسه علمیه خان قم نیز از مراکز فروش کتاب‌های ممنوعه در قم بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص. ۳۵۶). مأموران دولت در ۱۳۵۱ به کتاب‌فروشی‌های تهران حمله کردند و بیش از ۶۰ ناشر و کتاب‌فروش را دستگیر و کتاب‌های بسیاری را به بهانه کتاب‌های ممنوعه، گردآوری کردند (مؤمنی، بی‌تا، صص. ۴۵، ۹). کتابخانه‌های مساجد نیز در نگهداری و ارائه این کتاب‌ها باوجود همه بازرسی‌ها، دستگیری‌ها و شکنجه‌ها، همت داشتند (گروه آزادی کتاب و اندیشه، ۱۳۵۷، ص. ۵۱).

از جمله فروشندگان فعال کتاب‌های ممنوعه، بساط‌فروشان یا بساطی‌ها بودند که مشتریان خاص و ثابتی داشتند و کتاب‌ها را در سراسر کشور با موانع کمتری نسبت به کتاب‌فروشی‌ها عرضه می‌کردند (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، صص. ۱۸۰-۱۷۸، ۱۷۳). باین همه، کتابفروشی‌ها و بساطی‌ها به خاطر نشر و پخش کتاب‌های ممنوعه، در معرض همیشگی نظارت شدید مأموران شهربانی و ساواک بودند محرملی خان مهم‌ترین مأمور سانسور شهربانی بود که در ردیابی کتاب‌های ممنوعه و ناشران آن تبحر بالایی داشت (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، صص. ۲۰۶-۲۰۵، ۱۸۳، ۱۷۶). جلال آل احمد کتاب غریزدگی خود را که ممنوع‌النشر بود از طریق بساط‌فروشان، چاپ و توزیع کرد (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، صص. ۱۸۲-۱۸۱) و بعدها به چاپ این کتاب‌ها پرداختند که افزون بر ده هزار افسست شد و شبانه به دور از چشم مأموران از طریق شبکه‌ای سراسری به سرعت در همه کشور توزیع شد. این کتاب‌ها در پایان حکومت پهلوی به کتاب‌های سفید معروف شد (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۵). بخش عمده کتاب‌های سفید و مخالف نظام پهلوی را آثار مذهبی و ایدئولوژیک تشکیل می‌داد که عمدتاً از سوی ناشران خُرد و کوچک منتشر می‌شدند (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۰). کتاب‌های جلد سفید فقط سفیدرنگ نبودند و به رنگ‌های نخودی، سبز، صورتی و دیگر رنگ‌ها

با جلدی ساده، با یک عنوان و نام و در کتاب‌های ترجمه شده گاهی با نام مترجم، بدون نام ناشر، چاپخانه، صحافی و دیگر تولیدکنندگان کتاب در موضوع‌های سیاسی، فکری، عقیدتی و مذهبی علیه پهلوی به‌طور غیرقانونی با شمارگان بالا و بهای پایین منتشر و توزیع می‌شدند (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۶). در مرحله نخست، لیتوگرافی انجام می‌گرفت؛ سپس فیلم و زینک تهیه می‌شد و پس از آن، فرایند چاپ در چاپخانه انجام شده و آثار پس از صحافی پخش می‌گردید. در نهایت، کتاب‌ها به عمده‌فروشان یا بنکداران کتاب‌های جلد سفید جهت توزیع تحویل داده می‌شد. این روند در سراسر سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ به‌صورت مستمر و گسترده جریان داشت (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۷).

این اقدام گاهی در خارج از فضای چاپخانه‌ها و با استفاده از ماشین تایپ دستی و دستگاه استنسیل یا پلی‌کپی انجام می‌شد و به‌این ترتیب، جزوه‌ها یا کتاب‌های کم‌حجم چاپ و تکثیر می‌گردید. بسیاری از انقلابیون نیز در این زمینه مهارت یافته بودند. همچنین باید کتاب‌های افسستی و زیراکسی را نیز به این دسته افزود (امجدی، ۱۳۸۳، صص. ۲۶۴، ۲۴۴-۲۴۵، ۸۹؛ مرادی، الف، ۱۳۹۴، ج ۳، ص. ۲۴۹۲). گاهی انقلابی‌ها مطالب نوار کاست‌ها یا شبکه‌های رادیویی فارسی خارج از کشور همچون میهن‌پرستان، رادیو عراق، رادیو پیک، رادیو بی‌بی‌سی که مخالف پهلوی بودند را نوشته و منتشر می‌کردند (نیک‌بخت، ۱۳۸۱، صص. ۵۳۸-۵۳۷؛ ساسان‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۹).

انقلابیون برای نشر و توزیع کتاب‌ها و جزوات ممنوعه به کار کتاب‌فروشی هم روی آوردند (امجدی، ۱۳۸۳، صص. ۲۴۲، ۱۶۲؛ غیثیان، ۱۳۸۸، صص. ۲۹-۳۰). کتاب‌فروشی‌های داخل دانشگاه هم به فروش مخفی این کتاب‌ها اقدام می‌کردند و مخاطبان خاص خود را داشتند (نیک‌بخت، ۱۳۸۱، صص. ۶۷۴-۶۷۳؛ عبدی، ۱۳۹۳، صص. ۲۴۳-۲۴۱). سید علی اندرزگو از انقلابیون شاخص به توزیع کتاب‌های ممنوعه هم می‌پرداخت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، صص. ۴۱۲، ۱۴۳، ۱۳۲، ۱۳۰) و افرادی هم به خاطر چاپ و توزیع کتاب‌های شریعتی و ولایت‌فقیه‌امام‌دستگیر شدند (غیثیان، ۱۳۸۸، صص. ۱۲۲-۱۲۰، ۸۵-۸۳). نقل است یکی از دانشجویان دانشگاه تبریز، کتاب‌های شریعتی را کارتن به کارتن به تبریز می‌آورد و توزیع می‌کرد (نیک‌بخت، ۱۳۸۱، ص. ۲۵۲).

کنفدراسیون یا اتحادیه ملی جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا، انجمن دانشجویان ایرانی و اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه، فدراسیون انجمن‌های دانشجویی ایرانی در بریتانیا، فدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم آلمان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، تشکل‌های دانشجویی خارج ایران بودند که به نشر کتاب‌ها و جزوات ممنوعه و فرستادن این‌ها به ایران پرداختند (شوکت، ۱۳۹۱، ج ۱، صص. ۹۵۴، ۶۳۳؛ متین، ۱۳۷۸، ص. ۲۴۳؛ بروجردی، ۱۳۷۸، ص. ۶۹). بخشی از این کتاب‌ها از طریق کشورهای کمونیستی به خصوص شوروی و از ورودی‌های رسمی وارد و در کتاب‌فروشی‌های مشخصی فروخته می‌شد. ساواک بسیار تلاش کرد تا از فروش و پخش آن جلوگیری کند (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۶-۱۵۴). حزب توده ایران در خارج از ایران فعالیت انتشاراتی داشت و به چاپ و توزیع کتاب‌هایی پرداخت که از سوی حکومت پهلوی ممنوع اعلام شده بود (متین، ۱۳۷۸، صص. ۴۳۵-۴۳۳؛ مرادی، ۱۳۹۴، ج ۴، صص. ۳۰۷۹-۳۰۷۴). ورود این کتاب‌ها از خارج به شیوه جاسازی‌های حرفه‌ای یا طرق غیرقانونی به داخل انجام گرفت (امجدی، ۱۳۸۳، صص. ۲۷۵-۲۷۴). برخی موارد هم مانند کتاب مدافعات خلیلی ملکی نوشته‌های ممنوعه را به خارج فرستادند تا آنجا چاپ شود (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص. ۹۳).

قابل ذکر است حجم مهمی از کتاب‌ها و جزوه‌های ممنوعه در زندان‌ها نوشته شد. زندان فضای مناسبی برای مباحثه، اندیشیدن و خوانش دوباره و دقیق‌تر برای افراد انقلابی بود که با سامان بخشی افکارشان به نوشتن می‌پرداختند و نوشته‌ها پنهانی به بیرون زندان راه می‌یافت تا بانام‌های مستعار منتشر و به صورت زیرزمینی پخش کنند و به دست خوانندگان این مطالب برسد (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۶، صص. ۲۵۱-۲۵۰).

از لحاظ سازمانی اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر و کتابخانه ملی متولی چاپ و نشر کتاب در ایران بود؛ اما ساواک رکن اطلاعاتی مهم این دوره به عنوان سازمان امنیتی فراسازمانی بر نشر و پخش کتاب نظارت مستقیم داشت و گاهی پس از چاپ قانونی نوشتارها نیز به گردآوری و نابودسازی این‌ها می‌پرداخت و در توقیف و جلوگیری از چاپ و توزیع کتاب‌ها و جزوات ممنوعه در دهه‌های چهل و پنجاه، نقش مهمی داشت. ضابط اصلی اجرای احکام علیه کتاب‌های ممنوعه به عهده شهربانی بود (آذرنگ و

دهباشی، ۱۳۹۳، صص. ۱۰۹-۱۰۸؛ مرادی، الف، ۱۳۹۴، ج ۳، صص. ۲۴۸۹-۲۴۹۱). ساواک حتی بر چاپخانه‌ها هم نظارت داشت و مأمورانی هم در این اماکن مشغول به کار داشت (شاهدی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص. ۵۵). کتاب ممنوعه قتل عام قلم و اندیشه گزارش مفصلی از روند سانسور و ممنوع سازی کتاب در دوره محمدرضا شاه ارائه داده است (گروه آزادی کتاب و اندیشه، ۱۳۵۷، صص. ۶۵-۳۱). تقوی رئیس ساواک استان اصفهان در سخنرانی نزد استادان اعلام کرد هر چه مطالعه کتاب‌های خارج از درس کمتر باشد، بهتر است. شما مسئولیت بزرگی بر عهده دارید و باید مراقب باشید. هر چه بر سر این مملکت آمده از کتاب آمده و باید از خواندن کتاب‌های مضره پرهیز کرد (گروه آزادی کتاب و اندیشه، ۱۳۵۷، صص. ۶۸-۶۷). دولت در ۱۳۴۶ ستاد اطلاعات و تبلیغات را تأسیس کرد که در ۱۳۵۰ به «کمیسیون بررسی مسائل روز» تغییر نام یافت و سیاست اقناع افکار عمومی را از طریق نظارت بر رسانه‌ها و خط دهی به آن‌ها اعمال کرد. کار اصلی کمیسیون بررسی و رصد همه رسانه‌ها همانند مطالب کتب، نشریات، روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیو و تلویزیون داخل و رادیوهای خارج ایران بود. جلسات کمیسیون دربرگیرنده موارد ممیزی و ممنوع سازی رسانه‌های مخالف به‌ویژه کتاب‌ها و نشریه‌ها بود (صدری و اسماعیلی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص. ۱، ۲، ۳). درباره کتاب‌های ممنوعه، اقدامات مختلفی صورت گرفت که از جمله آن‌ها می‌توان به جلوگیری از ادامه فعالیت مدیران چاپخانه‌ها، تعقیب نویسندگان و ناشران، ممانعت از چاپ و توزیع این آثار، جمع‌آوری کتاب‌ها به‌وسیله شهربانی و ساواک، تدوین و تصویب مقررات سخت‌گیرانه علیه ناشران، جلوگیری از ورود کتاب‌های مخالفان به ایران، ممانعت از ورود کتاب‌های کمونیستی از طریق سفارتخانه‌های کشورهای کمونیستی، تأیید نکردن کتاب‌های چاپ‌شده و جلوگیری از تجدید چاپ آن‌ها، ثبت نکردن کتاب‌های ممنوعه در کتابخانه ملی و نیز اعمال کنترل پیش از چاپ و در جریان صحافی اشاره کرد (صدری و اسماعیلی، ۱۳۹۱، ج ۱، اسناد ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۳، ۳۷، ۵۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۳۰ و ۳۳۵...).

در آستانه پیروزی انقلاب کتاب‌های امام خمینی و مخالفان پهلوی در شمارگان بالا چاپ شد (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳، ص. ۴۸). جان فوران که به قضایای فرهنگی انقلاب اولویت داده، بررسی دقیقی از این‌ها ارائه داده است. وی معتقد است اندیشه و رفتار مردم

- حتی اگر اتفاقی و خودانگیخته باشد- پیوند میان وضعیت‌های ساختاری و برآمدهای اجتماعی است. انقلاب‌ها نگرش‌ها و ارزش‌های انقلابی را از طریق فرهنگ بازتولید و تکثیر داستان‌های مقاومت و طغیان به‌طور مکتوب و شفاهی، رواج می‌دهند (فوران، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۱). انقلاب ایران با افزایش فرهنگ سیاسی مقاومت، ادبیات متعهد یا خلق‌گرا در اشکال کتاب و جزوه همراه بود که از قضا بسیاری از این‌ها با حکم حکومت ممنوع شدند و در جریان سازی امر انقلاب و جذب پیروان جدید به گونه پنهانی و زیرزمینی، با کامیابی روزافزونی مواجه شد (بروجردی، ۱۳۷۸، صص. ۷۵-۸۶). کتاب‌های شریعتی در دوران پایانی پهلوی ممنوع اعلام شد که در داخل و خارج ایران و به میزان زیادی نشر و پخش شد (کردی، ۱۳۷۸، ج ۳، صص. ۴۴۴-۴۴۵، ۳۸۱، ۳۶۲، ۱۹۸؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲، صص. ۴۱۰-۴۰۹).

گروه‌های مبارز مسلحانه نیازمند جهان‌بینی، ایدئولوژی و برنامه مطالعاتی سازمانی بودند. از این رو، اعضای این گروه‌ها به خوانندگانی حرفه‌ای تبدیل شدند که به مطالعه کتاب‌ها، به‌ویژه آثار ممنوعه، می‌پرداختند. همچنین آنان به تولید و نگارش کتاب‌ها و جزواتی روی آوردند که به‌صورت مخفیانه منتشر و توزیع می‌شد. این آثار به‌سرعت در فهرست کتاب‌های مضره اعلامی حکومت قرار می‌گرفتند (بروجردی، ۱۳۷۸، صص. ۱۸۷-۱۸۳؛ علوی، ۱۳۷۹، صص. ۹۶-۹۳، ۸۴). در مواردی این گروه‌ها، از طریق همین کتاب‌ها به عضوگیری می‌پرداختند. اگر درک فرد از این کتاب‌ها مثبت بود برگزیده می‌شد. نوع کتاب‌های مورد مطالعه در مرتبه‌های سازمانی بالاتر، تفاوت داشت. شروع خوانش آن‌ها با نوشته‌های صمد بهرنگی و مارکسیستی و کتاب‌های تکامل بود (امجدی، ۱۳۸۳، ص. ۴۷۰؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، صص. ۱۶۹-۱۶۸ و عبدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۷۴). کتاب‌های شریعتی در جذب نیروهای تازه وارد دانشگاه در قضایای انقلابی مؤثر بود (نیک‌بخت، ۱۳۸۱، صص. ۲۵۱-۲۵۰). از برنامه‌های اصلی مطالعاتی حزب ملل اسلامی خواندن کتاب‌های انقلابی (غالباً کتب ممنوعه) بود (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، ۱۳۷۶، صص. ۴۲-۴۱). گروه‌های انقلابی مذهبی، چپی و ملی‌گرا بر پایه نوع گفتمان و نگرشی که داشتند به مطالعه کتاب‌های ممنوعه خاص خود می‌پرداختند (عبدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۳۱).

در کنار این جریان، باید به افزایش تصاعدی باسوادی در ایران نیز اشاره کرد که به طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه و بستری مساعد برای نشر اندیشه های مخالف رژیم وقت فراهم آورد. در سال های پیش از آن، نرخ باسوادی روندی صعودی داشت. این نرخ در سال ۱۳۵۶ در مناطق شهری به ۵۷ درصد و در مناطق روستایی به ۱۹ درصد رسید (ازغندی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص. ۳۰-۲۵) تعداد دانشجویان دانشگاه ها و مدارس عالی هم رشد زیادی یافت و در سال های ۱۳۵۶-۱۳۵۵ این تعداد به بالای ۱۵۴۲۱۵ نفر رسید (ازغندی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص. ۳۴-۳۵). دانشجویان خارج از ایران که با حمایت مالی دولت درس می خواندند هم رو به افزایش بود (ازغندی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص. ۳۶؛ عبدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷). دانشجویانی که با هزینه شخصی در خارج درس می خواندند را هم به این تعداد باید افزود. تعداد جوانان در آستانه انقلاب ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بوده است که از این تعداد ۲۵ درصدشان مشغول به تحصیل بوده اند (گروه مؤلفان، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۶-۱۳۵). در گزارش های بالا هم ذکر شده که بسیاری از تولیدکنندگان و خوانندگان و توزیع کنندگان انبوه و انفرادی این کتاب ها همین تحصیل کرده ها بوده اند.

آمار کتاب های منتشرشده از ۵۸۷ عنوان در سال ۱۳۴۰ به ۴۳۵۹ عنوان در سال ۱۳۴۹ کتاب افزایش یافت. این رقم در دهه ۵۰ کاهش یافت و به ۱۶۸۹ عنوان در ۱۳۵۵ رسید. سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شاهد انتشار دو برابری کتاب ها بود که ناشی از نیاز و علاقه بسیار خوانندگان به کتاب های سیاسی و مذهبی بود (آذرنگ، ۱۳۸۱، صص. ۹۵-۹۴).

دانشجویان داخل و خارج کشور نیز از گروه های فعال مخالف رژیم پهلوی بودند و بخش مهمی از نیروهای انقلابی را شکل دادند (متین، ۱۳۷۸، ص. ۳۲۰). دانشجویان و کتاب با توجه به اسناد و شواهد، ارتباط پیوسته و پایداری داشته اند. علی حق بیگی دانشجوی مبارز تبریزی بیان می کند در دهه پنجاه سطح مطالعات افزایش یافته بود. هر دانشجوی مسلمان حدود ۵۰ جلد کتاب در خانه داشت که با دیگران مبادله می کرد (نیک بخت، ۱۳۸۱، صص. ۵۷۰-۵۶۹). تعداد کتاب های کتابخانه سازمان صنفی دانشجویان پلی تکنیک تهران اواسط ۱۳۵۳ از ۴۰۰ به ۳۰۰۰ جلد افزایش یافت که کتاب ممنوعه هم در آن پیدا می شد (عبدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۹) در سال ۱۳۵۱ باوجود محدودیت های سیاسی، گرایش جوانان به خواندن کتاب اندک بود و در این وضع بهترین کتاب ها از نظر آن ها

کتاب‌های ممنوعه بود که نگهداری برخی از این‌ها دست کم شش ماه زندان داشت (عبدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷).

کتاب‌های ممنوعه در ایران سال ۱۳۵۶ به حدود ۸۰۰ عنوان رسید (فردای ایران، الف، ۱۳۶۰، صص. ۴۶۲-۴۷۸؛ فردای ایران، ب، ۱۳۶۰، صص. ۵۴۸-۵۵۵). در ماه‌های منتهی به سقوط رژیم پهلوی و پس از آن، کتاب‌هایی که پیش‌تر ممنوع شده بودند، آشکارا چاپ و توزیع شدند. انبوهی از این آثار که دستگاه نظارتی انتشار آن‌ها را ممنوع کرده بود، از انبارهای ناشران خارج شد. همچنین آثار شریعتی، آل‌احمد و مطهری در هزاران نسخه منتشر شد. حزب توده و گروه‌های چپ افراطی، آثار کلاسیک ترجمه شده مارکسیسم چاپ مسکو را در همه جا به فروش رساندند. کتاب‌های چاپ‌شده کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، به‌طور گسترده در دانشگاه‌های ایران توزیع می‌شد. پیاده‌روهای روبروی دانشگاه تهران به نمایشگاه روزانه عظیمی کتاب‌ها مبدل شد. برای افزایش آگاهی سیاسی از دموکراسی هر کتابی را که به دست می‌آوردند با حرص و ولع خریداری می‌کردند (دیگار و دیگران، ۱۳۷۷، صص. ۲۰۹-۲۰۸). در ریشه‌یابی کتاب‌های سفید بیان شده که تجربه سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ نشان داد که مردم اگر به موضوعی مشتاق شوند، هم می‌خرند، هم می‌خوانند، هم اثر می‌پذیرند و هم اثر می‌گذارند (آذرنگ، ۱۳۷۵، ص. ۴۵).

نتیجه‌گیری

بررسی و بحث کتاب‌های ممنوعه و رابطه مستقیم و مؤثر آن با انقلاب‌های تاریخی از جهت انگیزه‌های نگارش، نشر و پخش این ابزار فرهنگی، خوانش هدفمند خوانندگان این کتاب‌ها، در حوزه میان‌رشته‌ای تاریخ فرهنگی و تاریخ کتاب قرار دارد و نیز سانسور و اقدامات حکومت‌ها در این خصوص بخشی از تاریخ کتاب است. تکمیل‌کننده آن، تاریخ خواندن است که به نقش خواننده، دگرگونی و تحول در کارکردهای خواندن و کاربردهای فرهنگی چاپ می‌پردازد. تاریخ فرهنگی انقلاب‌ها درک و فهم بیشتری از وجوه و چهارچوب‌های شکل‌گیری فرایند فکری و فرهنگی انقلاب‌ها، به دست دهد. این نظر اهمیت دارد که انقلاب‌ها به دست اهل قلم شالوده‌ریزی شده‌اند. کتاب‌ها به‌عنوان کالا و ابزار فرهنگی که زاینده اندیشه‌ها و انگیزه‌های انقلابی هستند نقش

تأثیرگذاری بر روند همه انقلاب های شاخص دوران جدید داشته اند.

موارد مشترکی که در هر سه انقلاب مشهود است به شرح زیر بیان می شود:

۱. در هر سه انقلاب، کتاب های ممنوعه با همه مسائل و حواشی مرتبط با آن نقشی اثرگذار داشته و همه منابع به این قضیه اذعان داشته اند، اما لزوماً هر کشوری که با پدیده کتاب های ممنوعه مواجه بوده دچار امر انقلاب و انقلابی گری نشده ولی در کشورهای انقلابی مزبور این وضعیت در کنار دیگر علل و عوامل اثرگذاری مهمی داشته و در آستانه انقلاب به پدیده ای گسترده و شتاب دهنده تبدیل شده است.

۲. در هر سه انقلاب چاپخانه ها در نشر و پخش کتاب های ممنوعه و در نتیجه در توسعه فرهنگ مبارزه و عمل انقلابی نقش بنیادینی داشته اند.

۳. کتاب فروشان دوره گرد و بساطی ها در توزیع این کتاب ها نقش اساسی و مهمی داشتند. در فرانسه همین ها به نشر و پخش این کالای خطرآفرین فرهنگی پرداختند. همچنان که در روسیه و نیز ایران دوران انقلاب اسلامی در تولید و توزیع کتاب هایی ممنوعه نقش مهمی داشتند.

۴. محدودسازی و ممنوع کردن این کتاب های با محتوای انقلابی موجب افزایش میزان خوانش و افزایش انگیزه به آن در خوانندگان شد. جامعه ایرانی در حالتی روانی قرار گرفت که اگر کتابی ممنوع می شد به خرید و خوانش آن مشتاق تر می شد و جاذبه فراوان تری برایش داشت.

۵. ارتباط مستقیمی میان باسوادی و وقوع انقلاب ها وجود دارد و بررسی ها نشان می دهد که هر سه انقلاب فرانسه، روسیه و ایران در جوامعی رخ داده اند که نرخ باسوادی در آنها به حدود ۵۰ درصد رسیده بود. بااین حال، باسوادی را می توان شرطی لازم برای وقوع انقلاب دانست، اما شرط کافی نیست و به عوامل دیگر زمانی و مکانی نیز وابسته است. در سیر تاریخی انقلاب ایران نیز این ارتباط قابل مشاهده است و باسوادی و آگاه سازی انقلابی دو عامل مرتبط و تقویت کننده یکدیگر بوده اند.

۶. انحصار قدرت و رفتارهای اقتدارگرایانه حاکمان این دوران، باعث شد تا مخالفان کوشش کنند نیازهای حوزه اندیشه ها و رفتارهای سیاسی خود را از طریق شبکه های فردی غیررسمی برآورده سازند نه از طریق ساختارهای حکومتی. این فرهنگ منجر به

ایجاد و رشد فرهنگ‌های مخفیانه و زیرزمینی پایداری شد. این فرهنگ زیرزمینی نسبت به اوضاع غالب و مقتدر حکومتی و رسمی، ضعیف و بی‌مقدار نشان داده می‌شد، اما در نهان رشد آن تصاعدی و از درون در حال نهادینه شدن بود. آنچه در سه انقلاب ذکر شده آشکار کرد که هم‌زمان با سست شدن اهرم قدرت نظارت، فرهنگ زیرزمینی مخالف به سرعت عیان می‌شود و فرهنگ رسمی حاکم را با شمارگان بسیار نشر و پخش کتاب‌ها و جزوه‌ها میان مخاطبان در موضع ضعف قرار می‌دهد و حتی مدعی جایگزینی این فرهنگ رسمی می‌شود. این فرهنگ نوشتاری در این انقلاب‌ها به کردارهای اجتماعی انقلابی مبدل شد. در واقع، کتاب‌های ممنوعه شکل‌دهنده و رشد‌دهنده ساختارهای ذهنی و عملی انقلابی‌ها بود. بر اساس محورهای اندیشه نظریه‌پردازان انقلابی، مخاطبان و خوانندگان فعال این محصول‌های فرهنگی، به عملیات انقلابی اقدام می‌کردند. این محورهای پیوسته، درهم تنیده و رو به افزایش، اهداف انقلابی را به سمت بازتولید و نتیجه بخشی پیش برد. با این اوصاف فرهنگ انقلابی را می‌توان در ارتباط با رفتارهای انقلابی توصیف و تحلیل کرد.

۷. کتاب‌های ممنوعه با در نظر گرفتن مخاطبان و شمارگان نشر و پخش سراسری در کشور؛ باعث الگوبرداری از دیگر انقلاب‌های تاریخ، روحیه سازی و تکوین شخصیت انقلابی، تقویت افکار انقلابی در جامعه، تربیت نخبگان مخالف، آموزش شیوه‌های مبارزه و مقاومت در روند انقلاب، تضعیف پایه‌های مشروعیت و مقبولیت حکومت، دگرگونی فرهنگ، نگرش‌ها و ذهنیت‌های رسمی، معرفی و تثبیت جایگاه ایدئولوژی‌ها، تعیین خط‌مشی برای اقدامات آینده، شناسایی و رشد رهبران انقلابی، ترغیب به تحول سازی شرایط موجود، جلب نظر رسانه‌های جهان به خود شد. مشابه این موارد در انقلاب‌های فرانسه و روسیه نیز رخ داده است.

۸. حدود ۸۰۰ عنوان کتاب ممنوعه در ایران نشان می‌دهد که این کالای فرهنگی که رژیم‌های وقت نسبت به آن حساس بودند و مانع چاپ و توزیع آن می‌شدند چگونه پایه‌های مشروعیت و مقبولیت این رژیم‌ها را سست و متزلزل کرد. با چاپ هر کتاب ممنوعه‌ای، تعداد بیشتری به مخالفان افزوده شد و انگیزه‌های و ظرفیت‌های انقلابی آن‌ها را با وجود همه محدودیت‌ها و فشارهای بخش‌های امنیتی-پلیسی این حکومت‌ها که در اواخر عمرشان

به اوج خود رسید، افزایش داد و شیوه‌های مبارزه مخفیانه را بیش از پیش پیچیده ساخت و اخلاق انقلابی گری را در تمام کشور گسترده و فعال ساخت. بخش با اهمیتی از این شبکه زیرزمینی را جوانان به‌ویژه دانش آموزان و دانشجویان با همفکری و همکاری رهبران انقلابی آن زمان پیش بردند. کارکردهای کتاب‌های نیز در انقلاب‌های فرانسه و روسیه به همین روال، دیده شد.

۹. سهم اصلی کتاب‌های ممنوعه در هر سه انقلاب، بر عهده رهبران انقلاب بود. نیروهای مذهبی ایران به‌خصوص امام خمینی و شاگردان و پیروان وی و نیز نهضت آزادی ایران، مجاهدین خلق ایران قبل از انشعاب، چریک‌های فدائیان خلق، سازمان انقلابیون کمونیست و غیره عمده‌ترین کتاب‌های ممنوعه را تألیف و ترجمه کردند.

۱۰. جغرافیای تولید این کتاب‌ها نیز حائز اهمیت است. در میان شهرهای ایران، تهران، قم، مشهد، اصفهان و تبریز بیشترین سهم را در انتشار این آثار داشتند و در خارج از کشور نیز شهرهای مهم فرانسه و روسیه از مراکز اصلی تولید این متون به شمار می‌رفتند. همچنین در کشورهایی چون آمریکا، کانادا، شوروی، چین، فرانسه، انگلستان، آلمان شرقی و غربی، سوئد و ایتالیا، گروه‌های یادشده کتاب‌های ممنوعه را به زبان فارسی و سایر زبان‌ها منتشر کردند. در انقلاب‌های فرانسه و روسیه نیز کتاب‌های ممنوعه‌ای که در خارج از کشور تولید می‌شدند، نقشی بسیار مهم ایفا کردند. می‌توان گفت کتاب‌های ممنوعه به‌عنوان ابزار و درعین حال هدف کنشگران انقلابی، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و پیشبرد وضعیت انقلابی در سه انقلاب یادشده بوده‌اند. استمرار این روند، علی‌رغم تمامی قوانین بازدارنده و شدت برخوردهای رژیم‌های وقت، در سال‌های پیش از انقلاب، به تثبیت و تداوم پابندی انقلابیون به اصول اولیه انجامید. با این حال، به دلیل محدود بودن آمار، داده‌ها و اسناد موجود درباره این آثار و میزان تأثیرگذاری آن‌ها، همچنان این حوزه نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر و دقیق‌تر است.

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۵). دوره‌های عادی و بحرانی نشر کتاب (۱۳۲۰-۱۳۷۰). مسجد، ۵ (۲۸)، ۹۲-۱۱۱. <https://www.ensani.ir/fa/article/282956>
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۱). نشر کتاب در ایران: سیر اجمالی تحول، مانع‌ها و چالش‌ها. نامه فرهنگ، (۴۴)، ۹۲-۱۱۱. <https://ensani.ir/fa/article/265762>
- آذرنگ، عبدالحسین و دهباشی، علی (۱۳۹۳). تاریخ شفاهی نشر ایران. تهران: ققنوس.
- آرون، ریمون (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران: تحولات اجتماعی ۱۳۵۷-۱۳۲۰. تهران: سمت.
- استیچویچ، الکساندر (۱۳۷۳). کتاب در پویه تاریخ. ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- امجدی، جلیل (۱۳۸۳). تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفت گانه مسلمان. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بابر و فسکایا، سسیلیا (بی‌تا). بیست سال کار مخفی در روسیه «خاطرات یک کادر بلشویک». بی‌جا: گام.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۸). روشنفکران ایرانی و غرب. ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزانه.
- بریتون، کرین (۱۳۶۲). از انقلاب مذهبی کرمول تا انقلاب سرخ لنین. ترجمه محمود عنایت، تهران: هفته.
- چرنیشفسکی، نیکولای گاوریلوویچ (۱۴۰۲). چه باید کرد؟ ترجمه آذر پرتو. تهران: روزآمد.
- حاجبی تبریزی، ویدا (۱۳۸۳). داد بی داد نخستین زندان زنان سیاسی ۱۳۵۷-۱۳۵۰. تهران: بازتاب نگار.

- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری (۱۳۷۶). خاطرات جواد منصوری. تهران: سوره.
- دوتوکویل، الکسی (۱۳۹۱). انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مروارید.
- دیگار، ژان پیر و دیگران (۱۳۷۷). ایران در قرن بیستم بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یک صد سال اخیر. ترجمه عبدالرضا مهدوی، تهران: البرز.
- ساسان پور، شهرزاد (۱۳۸۶). عبور از سازمان مجید شریف واقعی به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سویول، آلبر (۱۳۵۹). انقلاب فرانسه (۱). ترجمه نصرالله کسراییان، تهران: شباهنگ.
- شاهدی، مظفر (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی ایران مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- شوکت، حمید (۱۳۹۱). جنبش دانشجویی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی). تهران: نامک.
- صدری، بهنام و اسماعیلی، علیرضا (به کوشش) (۱۳۹۱). اسنادی از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره پهلوی دوم صورت‌جلسات «کمیسیون بررسی مسائل روز». تهران: خانه کتاب.
- فردای ایران (الف) (۱۳۶۰). فهرست اسامی کتب مضره ای که منتشر شده‌اند. سال اول، شماره ۵.
- فردای ایران (ب) (۱۳۶۰). فهرست اسامی کتب مضره ای که منتشر شده‌اند. سال اول، شماره ۶.
- فوران، جان (۱۳۸۸). نظریه‌پردازی انقلاب‌ها. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی.
- عبدی، عباس (۱۳۹۳). جنبش دانشجویی پلی‌تکنیک تهران ۱۳۵۷-۱۳۳۸ (دانشگاه /میرکبیر). تهران: نی.

- علوی، سید محمدصادق (۱۳۷۹). بررسی مشی چریکی در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غیاثیان، سید سعید (به کوشش) (۱۳۸۸). خاطرات زندان گزیده‌ای از ناگفته‌های زندانیان سیاسی رژیم پهلوی. تهران: سوره مهر.
- کار، ادوارد هلت (۱۳۷۱). تاریخ روسیه شوروی انقلاب بلشویکی ۱۹۲۳-۱۹۱۷. ترجمه نجف دریابندری، تهران: زنده رود.
- کردی، علی (به کوشش) (۱۳۷۸). شریعتی به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کلوسمان، اووه (۱۳۹۶/۸/۲۰). استالین؛ آخرین کتابخوان آزاد شوروی. شوروی وارد عصر پاک‌سازی بزرگ می‌شود. ترجمه محمدعلی فیروزآبادی، اشیگل.
- کمری، علی‌رضا (۱۳۸۳). پرونده کتب مضره مذهبی. مطالعات تاریخی. (۵)، ۱۱۷-۱۳۷. <http://noo.rs/iJezl>
- گروه آزادی کتاب و اندیشه (۱۳۵۷). قتل عام قلم و اندیشه. بی‌جا، بی‌نا.
- گروه مؤلفان (۱۳۸۵). بررسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: دانشگاه پیام نور.
- لوکاس، هنری (۱۳۷۲). تاریخ تمدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان.
- ماله، آلبر و ایزاک، ژول (۱۳۶۴). تاریخ قرن هجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون. ترجمه رشید یاسمی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- متین، افشین (۱۳۷۸). کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۱۳۳۲-۵۷. ترجمه ارسطو آذری، تهران: شیرازه.
- مرادی، فرید (الف) (۱۳۹۴). تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب. تهران: خانه کتاب و مرکز کتاب پژوهی ایران.
- مرادی، فرید (ب) (۱۳۹۴). تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب. تهران: خانه کتاب و مرکز کتاب پژوهی ایران.

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۸). شریعتی به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۷). یاران امام به روایت اسناد ساواک کتاب هشتم «سردار سرافراز» شهید حجت الاسلام والمسلمین سید علی اندرزگو. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۹). جلال آل احمد به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۰). مدرسه فیضیه پایگاه های انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۲). کانون نویسندگان ایران به روایت اسناد ساواک. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مؤمنی، باقر (بی تا). درد اهل قلم. بی نا.
- تنس، روبر (۱۳۷۷). نگاهی تاریخی به سانسور. ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز.
- نیک بخت، رحیم (۱۳۸۱). جنبش دانشجویی تبریز (به روایت اسناد و خاطرات). تهران: سوره مهر.
- هایجس، اورلاندو (۱۳۸۷). تراژدی مردم انقلاب روسیه ۱۸۹۱-۱۹۲۴. ترجمه احمد علیقلیان. تهران: نی.
- Darnton, R. (1991). *The forbidden books of pre-revolutionary France*. In *Rewriting the French Revolution* (pp. 1-32).
- Green, J. & Karolides, N. J. (2005). *Encyclopedia of censorship* (New ed). Facts on File.
- Grint, K. (2006). *The influence of Rousseau's The social contract on the French Revolution* (Undergraduate dissertation, University of Manchester), pp. 6-38.